



تاثیر خواندن داستان های قرآنی بر روی مهارت های ارتباطی و هویت دینی و تاب آوری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان زابل

سمیه نخعی^{۱*}، راضیه قادرسارانی^۲، زهرا روزرخ^۳، عباس میر^۴

چکیده

پیش زمینه و هدف: ارتقاء تدین و دیانت در میان دانش آموزان امری بسیار حائز اهمیت و کلیدی محسوب می گردد که می تواند نتایج کلیدی را در تربیت شخصیت های برجسته برای آینده هر کشوری به دنبال داشته باشد. پژوهش های پیشین تاثیر فاکتورهای دین داری را در مورد ویژگی های شخصیتی مورد بحث و بررسی قرار داده است، اما تا به حال پژوهشی یافت نشده است که نقش دین و مذهب را از منظر داستان های قرآن بر فاکتورهای شخصیتی افراد بررسی کند. لذا این پژوهش با در نظر گرفتن این خلأ در پیشینه های پژوهش به دنبال بررسی این امر است که آیا قصص قرآنی می تواند بر بعضی از فاکتورهای شخصیتی دانش آموزان مانند تاب آوری، مهارت های ارتباطی و هویت دینی آنان تاثیر بگذارد یا خیر

مواد و روش کار: روش تحقیق پژوهش حاضر نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل می باشد. در این طرح دو گروه آزمودنی مورد مطالعه بوده اند به این معنی که در مرحله اول افراد به دو گروه (A و B) تفکیک شدند. در مرحله بعد یک گروه آزمایشی در معرض آموزش و مطالعه داستان های دینی قرار گرفته در حالی که گروه کنترل تحت هیچ آموزشی قرار نگرفت. پس از آموزش های یاد شده مجدداً افراد هر دو گروه تحت آزمون (پس آزمون) قرار گرفتند (پرسشنامه تاب آوری، مهارت های ارتباطی، هویت دینی). جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر متوسطه دوره اول آموزش و پرورش شهرستان زابل می باشد که بر اساس آمار اخذ شده برابر ۲۷۰ کلاس با ۵۵۰۰ نفر می باشد. با توجه به آمار موجود در آموزش و پرورش که معدل سالانه تحصیلی کلیه مدارس اخذ شده بود، با توجه به اینکه امکان تجمیع دانش آموزان از تمام مدارس شهرستان در یک فضا به جهت مشکلات اجرایی و اخذ مجوز ممکن نبود، پایه هشتم سه مدرسه که مطابق با نظر مشاوره آموزش و پرورش شهرستان احتمالاً از وضعیت ارتباطی ضعیف تری برخوردار بودند و در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند از بین مدارس شهرستان انتخاب شدند. پس از انتخاب این سه مدرسه دانش آموزان از هر مدرسه ۳۰ نفر از دانش آموزان کلاس هشتم به شکل تصادفی انتخاب شدند.

یافته ها: نتایج حاصل از تحلیل آماری نشان داد، مداخله آموزش قصص قرآن باعث ایجاد تغییرات آماری معناداری در بهبود مهارت ارتباطی، هویت دینی و تاب آوری دختران نوجوانان گروه آزمایش شده است

بحث و نتیجه گیری: نهایتاً با توجه به نتایج بدست آمده می توان به آموزش و پرورش پیشنهاد داد که در تدوین کتب قرآنی مدارس، از وجود قصص قرآن در محتوای این کتب استفاده بیشتری شود. همچنین می توان از این پژوهش در مورد گروه های خاص مانند مراکز نگهداری کودکان بدسرپرست و بی سرپرست، مراکز و کانون های تربیت کودکان نیز استفاده کرد.

کلمات کلیدی: داستان های قرآنی، مهارت های ارتباطی، هویت دینی، دانش آموزان، زابل

^۱ استاد یار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زابل، دانشگاه آزاد زابل، ایران (نویسنده مسئول) (drnakhaei@iauzabol.ac.ir)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روانشناسی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زابل، ایران (ssarani232@gmail.com)

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روانشناسی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زابل، ایران (zahraroozrokh2@gmail.com)

^۴ استادیار و معاون آموزشی و پژوهشی و فناوری دانشگاه فنی و حرفه ای استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه فنی و حرفه ای زاهدان، ایران



مقدمه

در تمام ادیان و جوامع بر روی تربیت اجتماعی، حساسیت دو چندان نشان داده شده است و بخش قابل توجهی از کتب آسمانی به مسائل ارتباطی میان انسان‌ها اختصاص دارد. قرآن نیز به عنوان معجزه جاوید پیامبر اسلام (ص) و آخرین کتاب آسمانی به روابط اجتماعی انسان‌ها توجهی درخور نموده است (سیفعلی، ۱۴۰۰). قرآن کریم با فرمان رابطوا در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران فرد را از کنج عزلت خارج کرده و به برقراری رابطه با سایر افراد جامعه فرمان می‌دهد. رابطوا یعنی بر مسلمین لازم است که با هم مرتبط باشند. مراد از مرابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد (طباطبایی، ۱۳۷۴). پس سعادت دنیا و آخرت آدمی در گرو روابط مطلوب اجتماعی است. به همین جهت پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: با مردم بیامیزید، در اجتماعاتشان شرکت کنید و آنان را در کارها یاری کنید و منزوی نشوید و از جامعه کناره‌گیری نکنید (محدث نوری، ۱۴۰۸). شکل‌گیری هویت، یک رویداد مستقل که از سوی فرد به صورت خودمختار انجام گیرد نیست، بلکه از طریق روابط اجتماعی، در تعامل با دیگران و در کنار دیگران بروز می‌کند (کوور و مورفی^۱، ۲۰۰۰). منظور از مهارت‌های ارتباطی فرایندهای خاصی است که فرد را قادر می‌سازد به صورت «شایسته» رفتار کند (هارجی و دیکسون^۲، ۲۰۰۴). درحقیقت، اجتماعی شدن هر فرد، دستاورد مهارت‌های ارتباطی اوست که از قبل آموخته است (بولتون^۳، ۱۹۹۳). مهارت‌های ارتباطی را می‌توان مشتمل بر مهارت‌های فرعی (با خرده مهارت‌های آن) متفاوتی دانست. توانایی گوش دادن فعالانه به عنوان یک مهارت اساسی در روابط بین فردی مورد توجه قرار گرفته است (حسین چاری و فداکار، ۱۳۸۴). استیل^۴ (۱۹۹۱) نیز معتقد است که گوش دادن عبارت است از فرایند آموخته شده و پیچیده حس کردن، تفسیر، ارزیابی، ذخیره سازی و پاسخ دهی به پیام‌های شفاهی. گوش دادن مؤثر، مشارکت فعال در یک گفت و شنود و فعالیتی است که گوینده را در انتقال منظور خویش، یاری می‌کند (امین چهار سوقی، ۱۳۸۱). کنترل عواطف به عنوان مقوله دیگری از مهارت‌های ارتباطی نقش مهمی در برقراری، تداوم و سلامت روابط اجتماعی ایفاء می‌کند. هوش عاطفی (هیجانی) نیز تا حد زیادی ناظر به اهمیت و تأثیر این جنبه از فرایند روابط اجتماعی است. به طور خلاصه، مقوله کنترل عواطف ناظر به توان ابراز احساسات و کنترل آن و نیز کنار آمدن با عواطف دیگران است (حسین چاری و فداکار، ۱۳۸۴). توانایی دریافت و ارسال پیام‌های واضح ارتباطی که از آن به صورت مهارت درک پیام، یاد می‌شود نیز به عنوان یکی دیگر از مقوله‌های مربوط به مهارت‌های ارتباطی مطرح است. نه تنها دریافت و ارسال پیام، به معنای عام، بلکه توانایی کشف معنای حقیقی پیام‌های کلامی و غیرکلامی در ارتباط اجتماعی نیز حائز اهمیت است. در واقع، توانایی درک چگونگی تأثیرگذاری در روابط اجتماعی و نیز توانایی فهم دیگران کیه از آن تحت عنوان «بینش نسبت به فرایند ارتباط» یاد می‌شود نیز یکی دیگر از مهارت‌های ارتباطی می‌باشد. «قاطعیت» یا فعال بودن در ارتباط نیز یک مهارت ارتباطی است. این

¹ Coover and Murphy

² Harji & Dikson

³ Bolton

⁴ Steel



مهارت، ناظر به برخورداری از جسارت بدان حد است که فرد بتواند صرف نظیر از واکنش عاطفی دیگران سؤالات و ابهامات خود را بیان کند (حسین چاری و فداکار، ۱۳۸۴). برای شکل گیری انس و الفت، افراد نیازمند مهارت‌هایی هستند که روابط میان آن‌ها را به بهترین حالت شکل دهد. مهارت‌های ارتباطی مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که به فرد کمک می‌کند که با دیگران راحت‌تر و بهتر رابطه برقرار کند، با آنان انس بگیرد، در مقابل رفتارهای نامناسب آن‌ها واکنش صحیح داشته باشد و به طور کلی، در روابط اجتماعی خود موفق‌تر عمل کند. مهارت‌های ارتباطی در قرآن کریم مجموعه‌ای از بایسته‌های اخلاقی، فکری، گفتاری و رفتاری است که به طور چشمگیری فرایند ارتباط میان افراد را بهبود می‌بخشد (سیفعلی، ۱۴۰۰). یکی دیگر از عواملی که در میان نوجوانان باید به آن توجه نمود، بررسی تاب‌آوری آنان است. در تلاش برای شناسایی عوامل ارتقا دهنده تاب‌آوری، برخی محققان به بررسی و مطالعه دینداری روی آورده‌اند. شواهدی که نقش مذهب را به عنوان یک مکانیسم حفاظتی در نوجوانان در معرض خطر بررسی کرده‌اند، حاکی از آن است که دینداری می‌تواند باعث ارتقاء تاب‌آوری در آن‌ها شود (بال^۱، ۲۰۰۳). به عنوان مثال ریگنورس و الدر^۲ (۲۰۰۳) تاثیر شرکت در برخی از مراسم و فعالیت‌های مذهبی بر پیشرفت تحصیلی نوجوانان محله‌های بالا دست، میانی و پایین دست را بررسی کرد. نتایج حاکی از آن بود که مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و مراسم مذهبی کلیسا، به افزایش مؤفقت تحصیلی منجر می‌شود. این تأثیر به طور خاص در محلات فقیرنشین بیشتر بود که حاکی از تأثیر محافظتی و تاب‌آورانه فعالیت‌های مذهبی است. حفظ و ارتقا دین و اخلاق یکی از دغدغه‌های مهم تمامی متولیان امور تربیتی و آموزشی کشور است. چراکه ثبات و حفظ انسجام و یکپارچگی جامعه و نیز الگوهای فرهنگی شدیداً بستگی به ایجاد و استمرار رابطه متعادل میان دین و اخلاق دارد (احمدی، ۱۳۹۳). بنابراین تمامی دست اندرکاران نظام آموزشی و نیز اساتید و پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت تلاش جدی برای ارتقا سطح دین‌داری جامعه، به ویژه جوانان و نوجوانان دارند. شاید بتوان گفت اهمیت دین و دین‌داری از آن حیث است که این مقولات مبنا و خاستگاه اصلی اخلاق بشمار می‌آیند و اخلاق نیز سنگ بنای نظام اجتماعی از یکسو و حفظ ثبات روانی، یکپارچگی شخصیتی و سلامت روانی افراد جامعه از سوی دیگر بشمار می‌آیند (آذربایجانی^۳، ۲۰۰۸). در این دوره است که فرد با سؤالات بنیادی درباره خود و جهان هستی روبه رو می‌شود و گام‌های اولیه برای هویت یابی و شناخت خود و جهان برداشته می‌شود. در این دوره نوجوان ارزش‌ها را از والدین، محیط آموزشی، گروه همسالان جامعه فرامی‌گیرد و چنانچه این ارزش‌ها با یکدیگر همخوان باشند هویت‌یابی آسان است در غیر این صورت هویت‌یابی برای نوجوان کاری دشوار بوده و دچار بحران هویت خواهد شد (شیرین‌کام، عباسی، حسینی خواه و صالحی، ۱۴۰۰). در نظام‌های تربیتی توجه جدی به هویت دهی دینی می‌شود و منابع انبوهی به این امر اختصاص می‌یابد. نشانه و نماد این مسئله نیز در مضمون در برنامه‌ای درسی (در سطح رسمی)، سیاست‌های تربیت معلم، تدوین محتوای کتاب‌های درسی و دخالت دادن محتوای دینی در برنامه‌های فوق برنامه است. مسئله دین و هویت دینی در کشور ما - به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی - مورد عنایت جدی قرار گرفته و تمامی نهادهای اجتماعی و تربیتی مؤثر در این خصوص مانند رسانه‌ها، فرهنگ عمومی، دانشگاه‌ها و ... در این باره بسیج و بکار گرفته شده‌اند. همچنین نظام وزارت آموزش و پرورش نیز به صورت تلویحی و نیز رسمی و آشکار به دنبال ارتقا دین‌داری و هویت دینی دانش‌آموزان بوده‌اند (شریفی و همکاران، ۱۳۸۸). انتقال ارزش‌های دینی به نسل جوان و دانش‌آموز در نظام تربیتی کشور ما یک اصل مهم تلقی می‌شود و این از آنجا ناشی می‌شود که دین و ارزش‌های دینی جوهر و اساس نظم اجتماعی و ثبات روانی محسوب می‌شود (ایزنر^۴، ۱۹۹۴). همان‌طور که گفته شد روش‌های مختلفی برای ارتقا دینداری وجود دارد.

¹ Ball

⁶ Regnerus & Elder

³ Azerbaijani

⁴ Eisner



یکی از ابزارهای مؤثر و کارآمد در جهت تأثیر گذاری بر دیگران و انتقال مفاهیم بشری که پیشینه‌ای کهن دارد، قصه است. در حقیقت این اسلوب کلامی، ابزار انتقال تجارب گوناگون تمدن‌ها و ملت‌ها و تجربه پیشینیان به پسینیان بوده است. طبع انسانی نیز از میان سایر وجوه گفتاری، گرایش بیشتری به شنیدن قصه دارد؛ چراکه احساس لطیف و عاطفی پر دامنه‌ای را در انسان‌ها بر می‌انگیزد و روح آدمی با شنیدن داستان آرامش یافته و از شخصیت‌ها و حوادث داستان‌ها بسیار تأثیر می‌پذیرد و سازگارترین فرم کلامی با ذهن بشر است. قرآن کریم در طرح داستان‌ها و به خصوص داستان‌های انبیا، از سبک و اسلوب‌های خاص و منحصر به فردی بهره جسته است و همین روش‌های بدیع بوده که داستان‌های قرآن را جاذبه و شکوهی خارق‌العاده بخشیده و هر یک از داستان‌ها را به صحنه تجلی فضایل اخلاقی و ارزش‌های متعالی تبدیل کرده است. چهره‌های پاک و تابناک هر یک از انبیا در این داستان‌ها نقش‌های زیبایی از معنویت، اخلاص، پاکدامنی، امانت و دیگر ارزش‌های اخلاقی را در منظر همگان قرار داده است (اصغری ولوجایی و همکاران، ۱۴۰۰). همانطور که ذکر گردید، ارتقاء تدین و دیانت در میان دانش‌آموزان امری بسیار حائز اهمیت و کلیدی محسوب می‌گردد که می‌تواند نتایج کلیدی را در تربیت شخصیت‌های برجسته برای آینده هر کشوری به دنبال داشته باشد. پژوهش‌های پیشین تأثیر فاکتورهای دین‌داری را در مورد ویژگی‌های شخصیتی مورد بحث و بررسی قرار داده است، اما تا به حال پژوهشی یافت نشده است که نقش دین و مذهب را از منظر داستان‌های قرآن بر فاکتورهای شخصیتی افراد بررسی کند. لذا این پژوهش با در نظر گرفتن این خلأ در پیشینه‌های پژوهش به دنبال بررسی این امر است که آیا قصص قرآنی می‌تواند بر بعضی از فاکتورهای شخصیتی دانش‌آموزان مانند تاب‌آوری، مهارت‌های ارتباطی و هویت دینی آنان تأثیر بگذارد یا خیر؟

روش شناسی پژوهش:

روش تحقیق پژوهش حاضر نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. در این طرح دو گروه آزمودنی مورد مطالعه بوده‌اند به این معنی که در مرحله اول افراد به دو گروه (A و B) تفکیک شدند. در مرحله بعد یک گروه آزمایشی در معرض آموزش و مطالعه داستان‌های دینی قرار گرفته در حالی که گروه کنترل تحت هیچ آموزشی قرار نگرفت. پس از آموزش‌های یاد شده مجدداً افراد هر دو گروه تحت آزمون (پس‌آزمون) قرار گرفتند (پرسشنامه تاب‌آوری، مهارت‌های ارتباطی، هویت دینی). جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه دوره اول آموزش و پرورش شهرستان زابل می‌باشد که بر اساس آمار اخذ شده ۶۸ مدرسه در سطح شهرستان وجود دارد که در تمام این مدارس ۲۷۰ کلاس و ۵۵۰۰ دانش‌آموز حضور دارند. با توجه به آمار موجود در آموزش و پرورش که معدل سالانه تحصیلی کلیه مدارس اخذ شده بود، با توجه به اینکه امکان تجمیع دانش‌آموزان از تمام مدارس شهرستان در یک فضا به جهت مشکلات اجرایی و اخذ مجوز ممکن نبود، پایه هشتم سه مدرسه که مطابق با نظر مشاوره آموزش و پرورش شهرستان احتمالاً از وضعیت ارتباطی ضعیف‌تری برخوردار بودند و در نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند از بین مدارس شهرستان انتخاب شدند.

پس از انتخاب این سه مدرسه دانش‌آموزان از هر مدرسه ۳۰ نفر از دانش‌آموزان کلاس هشتم به شکل تصادفی انتخاب شدند. بنابراین در کل دو گروه پژوهشی در سه مدرسه انتخاب شده مشتمل بر دانش‌آموزان مدرسی که به پیشنهاد دفتر مشاوره آموزش و پرورش شهرستان تفکیک شدند و پس از آن انتخاب ۹۰ نفر از دانش‌آموزان دختر پایه هشتم این مدارس (از هر مدرسه ۳۰ نفر) و به شکل تصادفی بود. در نهایت ۴۵ نفر به شکل تصادفی در گروه کنترل و ۴۵ نفر در گروه آزمایش قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از شاخص‌های آماری توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی استفاده شد. آمار استنباطی شامل روش تحلیل کوواریانس با بررسی پیش‌فرض‌های آن (نرمالیتی، همگنی واریانس‌ها و همگنی شیب خط رگرسیون) با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ در سطح معناداری ۰/۰۱ به کار گرفته شد.



ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تاب‌آوری: در این پژوهش به منظور سنجش میزان تاب‌آوری پاسخ دهندگان، از پرسشنامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۵ سوال بوده و هدف آن سنجش میزان تاب‌آوری در افراد مختلف است. در پژوهش حق رنجبر و همکاران (۱۳۹۰) پایایی این پرسشنامه با استفاده از آزمون ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ بدست آمده است. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به گزینه‌های کاملاً نادرست، به ندرت، گاهی درست، اغلب درست، کاملاً درست به ترتیب ارزشهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ اختصاص داده و در مرحله بعدی مقدار عددی تاب‌آوری با جمع جبری ارزش گزینه‌هایی که توسط آزمودنی‌ها انتخاب شده مشخص می‌شود، بنابراین بیشترین نمره در این پرسشنامه ۱۵۰ و کمترین ۲۵ خواهد بود، پایایی پرسشنامه تاب‌آوری در تحقیق حاضر ۰/۸۱ بدست آمد.

پرسشنامه تجدیدنظر شده مهارت‌های ارتباطی: این ابزار یک پرسشنامه‌ای ۱۸ گویه‌ای است که پاسخگو به تکمیل گویه‌های آن بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای می‌پردازد. پنج خرده مهارت گوش دادن، تنظیم عواطف، درک پیام، بینش و قاطعیت در این آزمون مورد بررسی قرار می‌گیرند. برای هر پاسخگو در هر یک از خرده مهارت‌های مذکور نمره جداگانه‌ای محاسبه می‌شود و حاصل جمع نمرات هر فرد در مجموع ۱۸ گویه نیز مبین کل مهارت‌های ارتباطی پاسخگو است. شایان ذکر است که برخی از گویه‌ها، به دلیل ماهیت و محتوای آن‌ها، در محاسبه نمره به صورت وارونه نمره‌گذاری می‌شوند. روایی و پایایی این آزمون از سوی حسین‌چاری و فداکار (۱۳۸۴) بررسی شده است. این محققان برای سنجش پایایی آزمون با استفاده از روش آلفا کرونباخ، پایایی کل آزمون را برابر ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند که حاکی از همسانی درونی قابل قبول این آزمون است؛ و به منظور بررسی روایی سازه‌ای آزمون و نیز ساختار عوامل مهارت‌های ارتباطی، شیوه آماری تحلیل عاملی از نوع تاییدی و به روش مؤلفه‌های اصلی را مورد استفاده قرار داده‌اند و مقدار عددی شاخص KMO را برابر ۰/۷۱ و نیز مقدار عددی شاخص χ^2 در آزمون کرویت بارت لیت را برابر ۲۳۱۸/۰۱ گزارش کرده‌اند که در سطح ۰/۰۱ معنی دار بوده است. یوسفی (۱۳۸۵) نیز ضمن استفاده از این ابزار، ضرایب پایایی به روش آلفا کرونباخ و دو نیمه کردن را به ترتیب برابر با ۰/۸۱ و ۰/۷۷ گزارش کرده است. در تحقیق حاضر، برای سنجش پایایی آزمون از روش آلفا کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی حاصله برابر با ۰/۷۰ بود.

پرسشنامه هویت دینی: این پرسشنامه توسط خوشاوی (۱۳۹۰) طراحی و اعتبار شده است. این پرسشنامه شامل سه مؤلفه‌ی ۱- اعتقادات دینی، ۲- عواطف و احساسات دینی و ۳- انجام رفتارهای دینی است، که گویه‌های ۹-۱ پرسشنامه‌ی هویت دینی مربوط به مؤلفه‌ی اعتقادات دینی، گویه‌های ۲۰-۱۰ مربوط به مؤلفه‌ی عواطف و احساسات دینی و گویه‌های ۳۱-۲۱ پرسشنامه‌ی هویت دینی مربوط به مؤلفه‌ی انجام رفتارهای دینی است. زیربنای نظری این پرسشنامه براساس مطالعات انجام گرفته در زمینه‌ی هویت دینی و همچنین مقیاس‌های دینی است که در قالب پرسشنامه‌هایی نظیر موارد ذیل، در ایران تدوین شده است، می‌باشد که به تهیه‌ی این پرسشنامه کمک کرده‌اند که عبارتند از: ۱- مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان (خدایاری فرد و همکاران (۱۳۷۸). ۲- مقیاس جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام آذربایجانی (۱۳۸۲). ۳- مقیاس خودسنجی التزام عملی به معتقدات اسلامی نویدی (۱۳۷۶). ۴- پرسشنامه‌ی هویت دینی رحیمی نژاد (۱۳۷۴). ۵- آزمون معبد گلزاری (۱۳۸۳). ۶- پرسشنامه‌ی معصومه غفوری کله (۱۳۸۴) می‌باشد. و در نهایت روایی صوری و محتوایی گویه‌های پرسشنامه مورد تأیید اساتید قرار گرفت. نمرات برای هریک از زیر مقیاس‌ها از ۱ تا ۵ در تغییر می‌باشد، به طوری که در پرسشنامه‌ی هویت دینی؛ به گزینه‌ی کاملاً موافقم ارزش عددی ۵، موافقم ۴، نظری ندارم ۳، مخالفم ۲ و کاملاً مخالفم ۱، داده شد.



نحوه آموزش و مطالعه داستان‌های قرآنی: برای گروه آزمایش، روندی در نظر گرفته شده است که هفته‌ای شصت دقیقه داستان‌های قرآنی را برای گروه کنترل آموزش دهد و این روند به مدت شش هفته به طول می‌انجامد. جدول ۱ این روند را شرح می‌دهد.

جدول ۱- شرح جلسات آموزش و مطالعه قصص قرآن

جلسه	محتوا
اول	آشنایی اعضا و درمانگر با یکدیگر، بیان انتظارات گروه و اعضا از یکدیگر، شرح قوانین گروه، ایجاد ارتباط درمانی، مشخص نمودن داستان‌هایی که در این شش هفته با گروه آزمایش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.
دوم	بحث و بررسی داستان حضرت عزیر
سوم	بحث و بررسی داستان مؤمن آل فرعون
چهارم	بحث و بررسی داستان فرعون و هامان
پنجم	بحث و بررسی داستان حضرت شعیب
ششم	بحث و نتیجه گیری

جدول ۲- نحوه انجام پژوهش

مرحله پس آزمون	متغیر مستقل	مرحله پیش آزمون	گروه
T ₂	خواندن و آموزش داستان‌های قرآنی	T ₁	آزمایش
T ₂		T ₁	کنترل

T₂: پرسشنامه تاب‌آوری، هویت دینی و مهارت ارتباطی

یافته‌های پژوهش

جدول ۳ خلاصه کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش را تعیین می‌کند؛ لذا ذکر این نکته ضروری است که تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده به تنهایی برای یافتن پاسخ پرسش‌های پژوهش کافی نیست. تعبیر و تفسیر این داده‌ها نیز لازم است. ابتدا باید داده‌ها را تجزیه و تحلیل کرد و سپس نتایج این تجزیه و تحلیل را مورد تعبیر و تفسیر قرار داد. این اطلاعات لازم برای تحقیق حاضر از پرسشنامه‌ای که اعتبار آن توسط روش آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفته بود، جمع‌آوری شد و در محیط نرم‌افزاری نسخه ۲۴ SPSS با اعمال آزمون‌های آماری مناسب با توجه به فرضیات تحقیق، تجزیه، تحلیل و گردآوری شد. تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته داده‌ها بر مبنای استنباط آماری و به کمک فنون آماری مناسب، به منظور تایید یا رد فرضیه ارائه می‌شود.

جدول ۳- خلاصه کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	گروه آزمایش	گروه کنترل
کجی	کشیدگی	کشیدگی
۰/۱۳۹	۰/۷۰۱	۰/۸۰۳
مهارت‌های ارتباطی	کجی	کجی
۰/۹۵۸	۰/۰۵۸	۰/۲۸۱
تاب‌آوری	کشیدگی	کشیدگی
۱/۷۰۸	۱/۰۲۳	۰/۲۱۴
هویت دینی	کشیدگی	کشیدگی
۱/۷۰۸	۱/۰۲۳	۰/۱۴۸



بر اساس جدول فوق مقادیر کجی برای همه متغیرها در همه حالتها در بازه (۲و-۲) قرار دارد و مقادیر کشیدگی نیز در بازه (۳و-۳) قرار دارد؛ بنابراین متغیرها بهنجار بوده و تایید کننده استفاده از آزمونهای پارامتریک هستند. همچنین در جدول ۴ تست نرمالیت کلموگروف اسمیرنوف انجام شده است.

جدول ۴- تست نرمالیت کلموگروف - اسمیرنوف

	پس آزمون			پیش آزمون			
هوویت	تاب	مهارت	هوویت	تاب	مهارت	گروه	
دینی	آوری	ارتباطی	دینی	آوری	ارتباطی	آزمایش	
۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	تعداد	
۱/۰۱	۴/۴۹	۲/۳۹	۱/۲۱	۴/۳۳	۲/۲۵	Sa	
۳۹/۵	۵۱/۳۵	۳۳/۳۲	۳۷/۲۰	۴۸/۶۷	۳۰/۲۵	میانگین	پارامتر نرمال
۳۵	۴۰	۲۴	۳۲	۳۸	۲۲	Min	
۴۶	۸۸	۵۸	۴۴	۸۳	۵۵	Max	
۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۱۳۹	۰/۱۳۴	۰/۲۰	۰/۱۹۶	P	

	پس آزمون			پیش آزمون			
هوویت	تاب	مهارت	هوویت	تاب	مهارت	گروه	
دینی	آوری	ارتباطی	دینی	آوری	ارتباطی	کنترل	
۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	تعداد	
۱/۰۱	۴/۴۹	۲/۳۹	۱/۲۱	۴/۳۳	۲۸/۰۰	Sa	
۳۷/۶۰	۴۷/۳۵	۲۸/۰۰	۳۸/۱۱	۴۶/۴۵	۲۸/۰۰	میانگین	پارامتر نرمال
۳۲	۴۰	۲۲	۳۲	۳۹	۲۱	Min	
۴۴	۸۳	۵۸	۴۳	۸۰	۵۸	Max	
۰/۲۱	۰/۲۹	۰/۱۳۰	۰/۱۳۰	۰/۲۵	۰/۱۵۰	P	

با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌کنیم که میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش بررسی شده‌اند. در قسمت سطح معنی‌داری می‌توان به نرمال بودن داده‌های هر متغیر پی برد. چنانچه سطح معنی‌داری هر متغیر بیش از ۰/۰۵ باشد، به این معنی است که داده‌های آن متغیر از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. با دقت به سطح معنی‌داری متغیرها ملاحظه می‌شود که برای همه داده‌ها



این سطح بالاتر از ۰/۰۵ بوده؛ در نتیجه فرض صفر درست بوده و داده‌ها نرمال هستند و می‌توانیم از آزمون‌های پارامتریک استفاده کنیم. می‌توان فهمید کته در قسمت پیش‌آزمون، میانگین نمره مهارت ارتباطی، تاب‌آوری و هویت دینی (در دو گروه کنترل و آزمایش بالاتر نزدیک به هم است در حالی که در قسمت پس‌آزمون و پس از مداخله آموزشی خواندن قصص قرآنی، در گروه آزمایش به طور قابل توجهی نسبت به گروه کنترل افزایش پیدا کرده است. آزمون‌های آماری در قسمت تحلیل داده‌ها به بررسی معناداری این تفاوت‌ها خواهد پرداخت.

استفاده از تحلیل کوواریانس نیازمند پیش‌فرض‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها طبیعی یا نرمال بودن توزیع نمرات با استفاده از آزمون شاپیرو-ویلک، آزمون همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لون و همگنی شیب خط رگرسیون به وسیله تعامل متغیر همپوش (کنترل) و متغیر مستقل است. نتایج این پیش‌فرض‌ها در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵- نتایج آزمون شاپیرو - ویلک، لون و همگنی شیب خط رگرسیون

متغیر	شاپیرو - ویلک	آزمون لون	شیب خط رگرسیون
آماره	معنی داری	معنی داری	معنی داری
تاب آوری (کنترل)	۰/۳۵	۳/۲۲	۰/۱۹
تاب آوری (آزمایش)	۰/۸۵	۳/۰۲	۰/۱۱
ارتباطی (کنترل)	۰/۰۷	۲/۷۷	۰/۱۵
ارتباطی (آزمایش)	۰/۰۷	۲/۳۴	۰/۱۴
هویت دین (کنترل)	۰/۸۵	۳/۰۲	۰/۱۵
هویت دین (آزمایش)	۰/۳۵	۲/۷۷	۰/۱۱

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای پژوهش در هر دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر دو گروه تایید شده است ($p > 0.05$). همچنین پیش‌فرض برابری واریانس‌ها در هر دو مرحله پژوهش مورد تایید قرار گرفت ($p > 0.05$). علاوه بر این نشان داده شده است که مقدار F تعامل بین متغیرهای همپراش و متغیر مستقل معنادار نیست و لذا این پیش‌فرض نیز تایید شد ($p > 0.05$). نتایج آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره نمرات ارتباطی و هویت دینی و تاب‌آوری نمرات پس‌آزمون در جدول ۶ آورده شده است.



جدول ۶- تحلیل کوواریانس چند متغیره برای بررسی اثربخشی داستان قرآنی بر متغیرهای مهارت ارتباطی، تاب آوری و هویت دینی نوجوانان

منبع	متغیر	مجموع	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
	مهارت ارتباطی	۴۰۶/۸۶	۴۲	۴۰/۶۵	۴/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۲۴
گروه	تاب آوری	۳۱۱/۳۵	۴۲	۲۰/۲۵	۸/۰۴	۰/۰۰۱	۰/۵۱
	هویت دینی	۲۴۳/۶۶	۴۲	۱۸/۳۲	۱۱/۹۰	۰/۰۰۲	۰/۷۵

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که تفاوت آماری معناداری بین دختران دبیرستانی زابل در گروه‌های آزمایش (مداخله داستان‌های قرآنی) و گروه کنترل از لحاظ نمره مهارت ارتباطی ($F=4/03$ ، $P<0/05$)، نمره تاب آوری ($F=8/04$ ، $p<0/05$) و هویت دینی ($F=11/90$ ، $p<0/05$) وجود دارد. لذا فرضیه پژوهش حاضر تایید می‌گردد و می‌توان نتیجه گرفت در گروه آزمایش تغییر معنیاداری در بهبود مهارت ارتباطی، هویت دینی و تاب آوری در پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل تحت تاثیر آموزش قصص قرآنی به وجود آمده است. شاخص مجذور اتا در مهارت ارتباطی ۰/۲۴، تاب آوری ۰/۵۱ و هویت دینی ۰/۷۵ نشان می‌دهد که تأثیر این سه متغیر از اهمیت نسبتاً خوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل آماری نشان داد، مداخله آموزش قصص قرآن باعث ایجاد تغییرات آماری معناداری در بهبود مهارت ارتباطی، هویت دینی و تاب آوری دختران نوجوانان گروه آزمایش شده است. در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان بیان داشت که در تعاملات اجتماعی، لازم است که فرد از عواطف و احساسات دیگران اطلاع پیدا کند تا تعامل بهتری با آنها داشته باشد. انسان زمانی که متولد می‌شود، می‌شنود، ولی شنیدن به عنوان مهارت، زمانی آغاز می‌شود که با اراده آن را انجام می‌دهد. گوش دادن مهم‌ترین مهارت ارتباطی است که می‌تواند ایجاد صمیمیت کند و آن را حفظ نماید (قراچه داغی، ۱۳۷۹). قرآن کریم خوب گوش دادن را یکی از مهارت‌های پیامبر (ص) در سوره توبه آیه ۶۱ معرفی می‌نماید. همچنان که در سیره اخلاقی آن حضرت آمده است که وقتی کسی سخن می‌گفت به او گوش می‌دادند تا سخنش به پایان برسد (طبرسی، ۱۳۸۵). چنین گوش دادنی به وجود آرامش درونی شنونده و توجه کامل و عاری از حواس پرتی از سوی او اشاره دارد. این مهارت را نیز می‌توان یکی از رموز موفقیت پیامبر (ص) در برقراری ارتباط با مردم و جذب قلوب آنها دانست. هر چند کلام نقش بسیار مهمی را در روابط اجتماعی فرد ایفا می‌کند، اما بسیاری از افکار انسان‌ها، بر اثر ارتباط غیرکلامی شکل می‌گیرد تا جایی که از نظر پژوهشگران، ارتباطات غیرکلامی مهم‌ترین بخش ارتباط میان فردی را تشکیل می‌دهند (باستانی، ۱۳۸۶). اصطلاح غیرکلامی در معنای دقیق آن به معنای غیرزبانی است. بنابراین ارتباط غیرکلامی، تمامی نشانه‌ها و علامت‌هایی را در بر می‌گیرد که معنا را از طریقی غیر از زبان منتقل می‌کند. برخی ارتباط غیرکلامی را ارتباط از طریق کلیه محرک‌های بیرونی غیر از کلمات نوشتاری و گفتاری می‌دانند. این نوع گفتار شامل حرکات بدنی، مشخصات ظاهری، مشخصات صدا و نوع استفاده از فضا و فاصله است (برکو و همکاران، ۱۳۷۸). در روابط غیرکلامی میتوان از حالات چهره، تماس چشمی، تن صدا، حرکات بدنی و تماس بدنی کسب و ارتباط ایجاد کرد. به شکل کلی داستان‌های قرآنی بسیار قابل پژوهش‌اند،



اما به علت فقدان پژوهشی تا این لحظه در زمینه نقش داستان‌های قرآنی بر مهارت‌های ارتباطی مکان مقایسه نتایج با سایر مطالعات و تحقیقات انجام شده پیشین و بحث پیرامون علل احتمالی تفاوت یا تشابه در نتایج به دست آمده با سایر تحقیقات انجام شده امکان پذیر نمی‌باشد.

در زمینه پژوهش‌های مرتبط با هویت دینی نیز نتایج پژوهش‌های پیشین نشان داده که هویت دینی دانش‌آموزان و معلمان خیلی نزدیک هم نیست و این نشان دهنده این است که هویت دینی پژوهشگر عامل اثرگذاری بر روی دانش‌آموزان نبوده است و خود قصص قرآن توانسته که ارتباطش را با هویت دینی دانش‌آموزان شکل دهد. شواهد و مصادیق وافر، از مستعد بودن قصه‌های قرآن برای قاعده یابی رفتاری خبر می‌دهد. در روند برداشت الگوهای عام رفتاری، هرگاه وفق قرینه‌ای از خود قصه بتوان دریافت که فلان رفتار برای الگوگیری مخاطبان بیان شده است برداشت قاعده، به دانسته‌های بیرون از متن مخاطب وابسته نمی‌شود، اما در کثیری از مواضع، چنین قرینه‌ای در اختیار نیست بلکه مخاطب قصه، خود از پیش می‌داند که کار نیکو کدام و کار فاقد نیکویی کدام است و سپس دانسته‌هایش را بر قصه تطبیق می‌دهد و مدعی استخراج آن‌ها از قرآن میشود (نجفی، ۱۳۹۹). در این حالت، حکایت قرآن به شنونده قصه، همان را می‌دهد که خود از قبل دارد و همان را می‌آموزد که خود از قبل آموخته است. البته در این مواقع، قصه‌های قرآن همچنان در تثبیت رفتار نیک نقش آفرینی می‌کنند و تأکید قصه بر الگوهای رفتاری معین، تأثیر روانی بر مخاطبان می‌نهد. کثیری از آدمیان به لزوم مراعات ارزشهای اخلاقی اذعان و آگاهی دارند اما گاه با خواندن قصه‌ای یا دیدن فیلمی احساساتشان به این ارزش‌ها برانگیخته می‌شود. در چنین مواقعی تأثیر فیلم یا قصه، آموزش نا دانسته‌ها نیست بلکه تعمیق و تثبیت دانسته‌ها از طریق تأثیرگذاری بر روان افراد است. از دیگر سو، تشخیص دامنه الگو نیز امری مهم در قاعده‌یابی رفتاری از قصه‌های قرآن است. فهمنده قرآن باید بداند که هر قاعده رفتاری فقط بر مصادیق همانند و همسانش تعمیم پذیر است و تعمیم دادن قاعده به مصادیق نامشابه خطری است که همواره الگو گیران را تهدید می‌کند.

پیشنهادها و محدودیت‌ها

یکی از عمده محدودیت‌هایی که پژوهش حاضر با آن رو به رو بود، بحث از بین بردن نظم کلاس‌های درس و معلمان مدارس منتخب بود که پس از کش و قوس و صحبت کردن با مدیر مدارس نهایتاً از دانش‌آموزان گروه منتخب آزمایش خواسته شد که یکساعت پس از پایان کلاس‌ها در مدارس بمانند که خب این هم طبیعتاً هزینه‌هایی به دنبال داشت و پژوهشگر مجبور به ارائه سرویس حمل و نقل شد. با تمام این تفاسیر برخی از عوامل غیر قابل کنترل مانند خستگی و گرسنگی نیز برای دانش‌آموزان وجود داشت.

نهایتاً با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان به آموزش و پرورش پیشنهاد داد که در تدوین کتب قرآنی مدارس، از وجود قصص قرآن در محتوای این کتب استفاده بیشتری شود. همچنین می‌توان از این پژوهش در مورد گروه‌های خاص مانند مراکز نگهداری کودکان بدسرپرست و بی سرپرست، مراکز و کانون‌های تربیت کودکان نیز استفاده کرد.



منابع

۱. اصغری ولوجایی، علی اصغر، حسینی کارنامی، سید حسین، محمدقاسمی، حمید (۱۴۰۰). مؤلفه های داستان های قرآن و مقایسه آن با اسرائیلیات. مطالعات قرآنی، شماره ۴۸، ۵۳ تا ۷۲.
۲. امین چهارسوقی، حامد (۱۳۸۱). بررسی کارکرد مهارت گوش دادن موثر در سازمان. تدبیر، ماهنامه علمی-آموزشی در زمینه مدیریت، شماره ۳۱۷، سال سیزدهم، صص ۶۳-۳۸.
۳. باستانی، قادر (۱۳۸۶). اصول و تکنیک های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، تهران: ققنوس.
۴. برکو، ری ام، ولوین، آندرو دی، ولوین، دارلین آر (۱۳۸۷). مدیریت ارتباطات: فردی و عمومی، ترجمه: دکتر سید محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۵. حسین چاری، مسعود و فداکار، محمد مهدی (۱۳۸۴). بررسی تأثیر دانشگاه بر مهارت های ارتباطی بر اساس مقایسه دانش-آموزان و دانشجویان. دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۳۳، صص ۱۳-۳۳.
۶. شریفی، طیبه، شکرکن، حسین، احدی، حسن و مظاهری، محمد مهدی (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین هویت های دینی و ملی با سلامت روانی دانشجویان. یافته های نو در روان شناسی (روان شناسی اجتماعی). دوره ۴، شماره ۱۱، ۱۲۵-۱۴۲.
۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۵). مکارم الاخلاق. تهران: فراهانی.
۹. قراچه داغی، مهدی (۱۳۷۹). چگونه خودمان را دوست بداریم؟ تهران: نوین کتاب گویا.
۱۰. محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۱. نجفی، روح الله (۱۳۹۹). تحلیل فرآیند الگویابی از رفتار شخصیت ها در قصه های قرآن. انسان پژوهی دینی، سال هفدهم، شماره ۴۳، ۱۲۷-۱۴۵.
۱۲. Ahmadi, J. (2014). Terminology of "Justice" and Its Relationship with Similar Concepts in the Teachings of Nahjol Balaqah (the Peak of Eloquence), Quarterly Marefat I Akhlaqi: Vol 1, 4(12), 37-53 (Persian).
۱۳. Azerbaijani. M. (2008). The scale of measuring religiosity based on Islam. Qom: University and Institute of Publications Research. [Persian].
۱۴. Ball, J., Armistead, L., Austin, B. J (2003). The relationship between religiosity and adjustment among African-American, female, urban adolescents. Journal of Adolescence. 26 (4), 431-446.
۱۵. Bolton, R. (1993). Human Psychology Relations : Public Skills, Translated by: Sohrabi, H.R., Tehran: Roshd Publications.
۱۶. Coover, G. and Murphy, S. (2000). The communicated self: exploring the interaction between self and social context. Human Communication Research, 26, 125-147.
۱۷. Eisner, Elliot.w (1994). The Educational Imagination: On the Design and Evaluation of School Programs, Third Edition- Macmillan. College Publishing Company.
۱۸. Hargie, O. S. & Dickson, D. (2004). Skilled interpersonal Communication: Research, Theory and Practice. NewYork: Routledge.
۱۹. Regnerus, M. D., Elder, G.H. (2003). Religion and vulnerability among lowrisk adolescents. Social Science Research. Vol. 32, Issue. 4, PP. 633-658.



۲۰. Seyfalie, F. (1400). Recognition of Communication Skills in the Quran and its Functions in Human Social Relations. *Scientific research quarterly in the field of Quran and Hadith*, 1(2), 123-150.
۲۱. Shirinkam, E., Abasi, A., Hosseini, A., Salehi, A. (1400). Analysis of Teachers' Lived Experiences and Perceptions of How Religious Identity is Formed in Students (A Qualitative Phenomenological Study). *Education Strategies in Medical Sciences*, 15(2), 141-150.
۲۲. Steel, L. (1991). Interpersonal correlates of trust and self-disclosure. *Psychological Reports*, 68, 1319-1320.
۲۳. McCaslin, N. (2006). *Creative drama in the classroom and beyond* (8th ed.). Boston, MA: Allyn & Bacon. Mji, A., & Makgato, M. (2006). Factors associated with high school learners' poor performance: a spotlight on mathematics and physical science. *South African Journal of Education*, 26(2), 253-266.
۲۴. Rahimi Pordanjani, S. (2021). Effectiveness of Drama Therapy on Social Skills of Autistic Children. *Journal of Practice in Clinical Psychology*, 9(1), 9-18. <https://doi.org/10.32598/jpcp.9.1.344.1>.



The effect of reading Quranic stories on communication skills and religious identity and resilience of female students of first secondary school in Zabol city

Somayeh Nakhaei*¹, Raziye Ghadersarani², Zahra Roozrokh³, Abbas Mir⁴

Abstract

Background & Aims: Promoting religiosity and religion among students is a very important and key thing that can lead to key results in training prominent personalities for the future of any country. Previous research has discussed the effect of religious factors on personality traits, but so far no research has been found to examine the role of religion from the perspective of Qur'anic stories on personality factors. . Therefore, considering this gap in the research background, this study seeks to investigate whether Quranic stories can affect some of the personality factors of students such as resilience, communication skills and their religious identity or not.

Materials & Methods: The research method of this research is a quasi-experimental pre-test and post-test with a control group. In this project, two groups of subjects were studied, which means that in the first stage, people were divided into two groups (A and B). In the next stage, an experimental group was exposed to teaching and studying religious stories, while the control group was not trained at all. After the mentioned trainings, the individuals of both groups were tested again (post-test) (resilience questionnaire, communication skills, religious identity). The statistical population of this study includes all female high school students in the first year of education in Zabol city, which according to the obtained statistics is equal to 270 classes with 5500 people. According to the statistics in education, the annual grade point average of all schools was obtained, considering that it was not possible to gather students from all schools in the city in one space due to administrative problems and obtaining licenses, the eighth grade of the three schools According to the education counseling of the city, they probably had a weaker communication status and were studying in the second semester of the academic year 1401-1400. They were selected from among the schools of the city. After selecting these three student schools, 30 eighth grade students from each school were randomly selected.

Results: The results of statistical analysis showed that the intervention of teaching Quranic stories caused statistically significant changes in improving communication skills, religious identity and resilience of adolescent girls in the experimental group.

Discussion and Conclusion: Finally, according to the obtained results, it can be suggested to education that in compiling Quranic books in schools, the existence of Quranic stories in the content of these books should be used more. This research can also be used for special groups such as child care centers for abused and orphaned children, child care centers and centers.

Keywords: Quranic stories, communication skills, religious identity, students, Zabol

¹ *Assistant professor, Department of Psychology, faculty of Human Sciences, Zabol Branch, Islamic Azad university, Zabol, Iran (Corresponding author) (dmakhaei@iauzabol.ac.ir)

² Masters student, Department of Psychology, faculty of Human Sciences, Zabol Branch, Islamic Azad university, Zabol, Iran (ssarani232@gmail.com)

³ Masters student, Department of Psychology, faculty of Human Sciences, Zabol Branch, Islamic Azad university, Zabol, Iran (zahraroozrokh2@gmail.com)

⁴ Assistant Professor and Vice Chancellor for Education, Research and Technology, Sistan and Baluchestan Technical and Vocational University, Zahedan Technical and Vocational University, Iran